



♦ علی پور سلیمان
مسئول تشکیلات و برنامه‌ریزی
سازمان معلمان ایران

بودجه ۸۵ و معضل آموزش و پرورش!! معلمان باز هم فقیر تر می شوند

آقای فرهاد رهبر رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گفته است: در بودجه ۸۵ به موضوع اشتغال و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، میزان مصرف ارز هم در سال ۸۵ با لایحه فعلی به ۳۶/۵ میلیارد دلار می‌رسد. از این رقم بیش از ۲۲ میلیارد دلار صرف امور عمرانی می‌شود (شرق) ۸۴/۱۰/۲۷

در واقع ایشان به عنوان رئیس مهم‌ترین نهاد تخصیص بودجه، عنوان کرده است که بودجه امسال حول دو محور اشتغال و سرمایه‌گذاری تدوین گردیده است. حال این سوال مطرح است که افزایش بودجه برخی دستگاه‌ها در لایحه بودجه ۸۵ نسبت به لایحه ۸۴ مانند، سازمان صدا و سیما ۴۵/۶ درصد، سازمان تبلیغات اسلامی ۹۵/۴ درصد، مرکز خدمات حوزه علمیه قم ۱۴۷/۱ درصد، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها ۱۴۰/۸ درصد، شورای عالی انقلاب فرهنگی ۴۱/۹ درصد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۱۰/۷ درصد، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۹۶/۵ درصد، دبیرخانه مجلس خبرگان

۴۴ درصد و شورای نگهبان ۱۴۲/۲ درصد را چگونه می‌توان حول دو موضوع اشتغال و سرمایه‌گذاری توجیه و تعبیر کرد؟! این در حالی است که رشد بودجه آموزش و پرورش نسبت به نهادهای ذکر شده ۳۲/۴ درصد و به عبارتی از همه کمتر بوده است. آیا از نظر مسوولان، تخصیص اعتبار به نهاد آموزش و پرورش به عنوان رکن توسعه، نوعی

سرمایه‌گذاری بلندمدت نیست؟! آیا مسوولان محترم میزان نسبت بودجه جاری و واقعی آموزش و پرورش ایران را با کشورهای دیگر حتی کشورهای جهان سوم و در حال توسعه مورد ارزیابی و بررسی قرار داده‌اند؟! آیا برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، میزان سهم آموزش و پرورش از درآمد ناخالص ملی ایران با کشورهایمانند هند، ترکیه و... را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده‌اند؟!

ادعای می‌شود که قدرت خرید فرهنگیان افزایش یافته است، و با استناد به این نکته میانگین حقوق و مزایای فرهنگیان از سال ۷۹ تا سال ۸۳ از مبلغ ۹۷ هزار تومان به مبلغ ۱۶۷ هزار تومان افزایش پیدا کرده، در حالی که طبق آمار و با توجه به نرخ تورم، قدرت خرید فرهنگیان طی این مدت نزدیک به ۲ درصد نیز کاهش یافته است.

از سوی دیگر، وزیر آموزش و پرورش رسماً اعلام کرده است که قدرت خرید معلمان در این چهار سال دو برابر خواهد شد.

**رشد بودجه
آموزش و پرورش
نسبت به برخی نهادها
۳۲/۴ درصد و به
عبارتی کمتر از
همه بوده است**



بهرتر بود وزیر محترم منابع پیش بینی شده و فرآیند تخصیص اعتبار برای این وعده را به افکار عمومی معلمان توضیح دهند؟

از آن جا که مبنای تخصیص بودجه برای سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سرانه دانش آموزی بوده است و این در حالی است که هر ساله حدود ۵۰۰ هزار نفر از جمعیت دانش آموزی کاهش می یابد و از سوی دیگر، دولت به طور متوسط هر ساله مبلغ ۵۰۰ هزار تومان برای هر دانش آموز هزینه می کند.

با توجه به استخدام ۴۰ هزار نفر نیروی حق التدریسی و وجود نیروی مازاد و نیز آمار پایین خروجی های این سیستم می توان گفت که هر سال نسبت به قبل، وضع آموزش و پرورش بحرانی تر خواهد شد.

این بحران و ناکارآمدی را چه کسی و یا کسانی پاسخ خواهند داد؟

با توجه به این که بیش از ۶۵ درصد حقوق بگیران آموزش و پرورش، حداقل بگیر هستند و نیز این جمعیت، تعداد قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. (گرچه در چند سال اخیر گام های مهمی از قبیل طرح ارتقای شغلی معلمان، افزایش حق جذب و... جهت پر کردن این خلا برداشته شده است) اما اقدامات انجام گرفته کافی نیست و همچنان فاصله دریافتی ها بین معلمان و برخی دستگاه ها رو به افزایش است!

تقاضای ما از مجلس شورای اسلامی، برنامه ریزی برای رفع این معضل است.

عنوان شده است که "بودجه آموزش و پرورش حدود ۳۰ درصد رشد داشته است. اما عملاً از سال ۱۳۷۹ تاکنون سهم آموزش و پرورش در بودجه همواره سیر نزولی داشته به گونه ای که در سال ۱۳۸۴

با کسری شدید ۳ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان مواجه شد. گرچه در لایحه بودجه ۸۵، افزایش میزان کسری هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان دیده شده، اما از هم اکنون مشخص است اگر این لایحه به همین وضعیت به تصویب برسد، باز هم آموزش و پرورش با کسری شدید روبه رو خواهد شد. (سخنان محمد علی حیاتی، نماینده مردم لامرد در مجلس شورای اسلامی، ۸۴/۱۱/۲) به عبارت دیگر، میزان افزایشی که در قالب حدود ۳۰ درصد برای آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است صرف جبران کسری بودجه و دیون و مطالبات سال های گذشته خواهد شد و در بودجه فعلی آموزش و پرورش تغییری به وجود نخواهد آمد و این امر، سیستم را به سمت روزمرگی و بورکراسی زاید و نارضایتی سوق خواهد داد.

یکی از مسوولان سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعلام کرده است که افزایش حقوق کارمندان (مانند معلمان) بر اساس نرخ تورم یعنی ۱۳/۵ درصد در سال آینده خواهد بود.

در پاسخ باید گفت دولت نهم مصرف ارزی خود

برای سال آینده را در حد ۳۶/۵ میلیارد دلار افزایش داده است. حال آن که سقف مصرف ارزی دولت طبق برنامه چهارم توسعه، ۱۵/۶ میلیارد دلار است. بدین ترتیب تبدیل ۳۶/۵ میلیارد دلار به ریال و تزریق آن به اقتصاد ایران. اگر ظرفیت و تحمل آن را داشته باشد باعث رشد شدید نقدینگی و چند برابری نرخ تورم فراتر از پیش بینی های خوش بینانه سازمان مدیریت و برنامه ریزی خواهد بود!

به عبارت دیگر، نرخ تورم واقعی پنهان بسیار بالاتر از نرخ رسمی اعلام شده خواهد بود و این در حالی است که افزایش حقوق کارمندان به ویژه معلمان، تابع یک ضریب ثابت و پایین، اما نرخ تورم بسیار بیش تر و آن هم شناور خواهد بود. و این باعث خواهد شد که معلمان باز هم فقیرتر و فقیرتر شوند و این مساله با شعارهای عدالت طلبانه ریاست جمهوری تضاد و تناقض دارد.

با توجه به این که بیش از ۵۰ درصد از جمعیت معلمان فاقد مسکن هستند تسهیلات مسکن پیش بینی شده برای معلمان در عمل فاقد کارایی است. به عنوان مثال یارانه های مسکن که البته رقم ناچیزی را تشکیل می دهند حدود دو سال است که در آموزش و پرورش پرداخت نشده است.

پیشنهاد ما، پرداخت حق مسکن به معلمان همانند برخی از کارکنان و کارمندان دولت است.

در پایان باید گفت در سه یا چهار سال اخیر، تلاش هایی از سوی نمایندگان و دولت جهت اصلاح اقتصاد نابسامان آموزش و پرورش شده است که باید از آن تقدیر نمود اما متأسفانه کافی نبوده است و این معضلات و مسایل باید ریشه ای حل شوند و مسوولان در نگاه به این نهاد باید رویکرد سیستمی داشته باشند که امیدواریم چنین شود!

